



نزدیک به ۶ ماه سایه به سایه سپاه و سفیدهای وزارت جهاد و کشاورزی

پلاتکلیفی معاونان و مدیران وزارت خانه

احتمالی خیمه زده بودند و حرکاتی مناظره گونه از آن دست که ۴ کاندیدای ریاست جمهوری در تلویزیون انجام دادند و همه چیز را روی آب ریختند مطرح می کردند. شاید اگر در آن زمان خبرنگاران می توانستند گزارشی از نظرات کارشناسی این افراد تهیه و منتشر نمایند چالش ها، ضعف ها و راه کارهای بخش مطرح و یک مانیفست برای وزارتخانه تعریف می شد. طرفدار هر گروه در وزارتخانه به سوابق درسی، خداترسی، حق طلبی و سلامت و صداقت در پذیرش یا رد بورسیه های تحصیلی، سلیق سیاسی، عملکرد در دوران کارشناسی، ماموریت ها و سفرهای مطالعاتی خارج از کشور و ارزش های دریافتی ماموریتی، نحوه گرفتن پست های مدیریتی، شایستگی و لیاقت فردی در ارتقاءهای موردی سازمانی یا حمایت های بالادستی، تغییر مواضع سیاسی بر اساس تغییر سکان قدرت در دست جناح ها و باندها از چپ تا راست و میانه و محافظه کار، بحث درباره اندوخته های مالی، اعزام خانواده و فرزندان به خارج، شراکت در امور تولیدی و خدماتی بخش خصوصی، زمین ها و امتیازات گرفته شده از نهادها و طرح های مختلف و هر آنچه که امکان طرح آن در ۸ ساعت کار موظف اداری و ۱ تا ۲ ساعت اضافه کاری در پشت میز اداری وجود داشت مطرح می کردند.

عقلای اردوگاه های وزرای احتمالی اما، حرکتی جدی تر داشته و با طرح نیازهای بخش کشاورزی و ضرورت تامین غذای مردم، آن را با توانمندی و تدبیر مدیریتی، استقلال رای، دوستی با مردم دانا، مشورت با خبرگان و کارشناسان و صاحب نام و باتجربه، قاطعیت و نفوذ وزرای احتمالی در میان کارشناسان، محققان، مدیران کل و معاونین وزیر، اقبال و خوشنامی در بین ۴ میلیون خانوار کشاورز، سرمایه گذاران بخش کشاورزی و طراحان مجتمع های بزرگ تولیدی محصولات کشاورزی و صنایع غذایی مقایسه می کردند.

هر کسی از زعم خود...

البته این مقایسه ها و آرایه مستندات از سوابق افراد کار قضاوت را سخت تر می کرد و دایره اقبال را بسیار تنگ تر و نام های بسیاری را از فهرست های اعلام خط می زد.

تیر و مردادماه امسال گرچه در نهاد ریاست جمهوری و در بین آن مجموعه ای که وزیر گزینش و رزومه افراد را مطالعه می کردند و نظر می دادند، بحث های دیگری جریان داشت و فرد مورد نظر و آترناتیو وی گزینش شده بودند و تنها بحث بر سر اماها و اگرها و حرف شنوی ها ... بود اما در بیرون هنوز مجادله ها و جنگ های

در ماه های پایانی سال ۸۷ که زمزمه های حذف اسکندری از گردونه صدارت و یافتن مستاجر جدیدی برای کاخ خاکستری جهاد کشاورزی در زبان ها و حرف های درگوشی زمزمه می شد مهم ترین دلیل شکست اسکندری را نرسیدن به هدفها و آماری ذکر می کردند که وزیر بر مبنای «در صورت انتقال یافته های علمی به مزارع و بر اساس برنامه چهارم» قول داده بود.

چرخ گردون بر مراد نگردید هم کارشناسان کارکشته و توانمند و کاردان نپذیرفتند با او بر سر میز همکاری بنشینند و هم «لب تر نکردند زرع و نخیل» و ناگهان از تب تند صادرکننده تشریفاتی گندم در یک سال به بزرگترین واردکننده گندم در سال بعد فرو افتادیم.

در خرداد ۸۸ که دولت دهم را در اختیار دولت نهم قرار دادند، نخبگان کشاورزی با طرح کاستی ها، خطای انگشت نشانه وزیر را در رسانه ها به نقد نشستند. رسانه ها از عدم همکاری وزیر وقت چشم پرآب خود را جاری کردند و اسکندری گر چه دیر هنگام، تعامل نکرده خود را با رسانه ها یکی از دلایل مشکلات ۴ ساله ذکر کرد. پیشگویان البته در بحبوحه گزینش مدیر دولت دهم ترسالی را نوید دادند و تنها امید کشاورز و کشاورزی بعد از قصه های ۲۲ خرداد، نگاه های حدود ۲۵۰ هزار نفر از کارشناسان و دانش آموختگان کشاورزی و نزدیک به ۴ میلیون خانوار کشاورز بود که چشم به اعلامیه ها و نظرات رسمی دوخته بودند تا «قرعه ی فال» به نام کدام مدیر گردآفرین زده می شود که لشکر سلم و تور را از دره خشکی و کم محصولی و انسان های گلایه مند به سوی سبزی و شادابی و پر محصولی در رضایت مندی آنها هدایت کند.

در تیرماه ۸۸ فهرستی از اسامی مدیران و معاونان قبلی و فعلی وزارتخانه که اکثر قریب به اتفاق آنها جهادی بودند (به جز یک نفر که کشاورزیچی بود) در اذهان برای تصدی احتمالی پست وزارت جهاد کشاورزی شایع شده بود. هر رسانه ای نیز (حتی ماهنامه تحلیلی دام، کشت و صنعت که رسانه ملی بخش کشاورزی لقب گرفته است) نظرانی ابراز می کرد و مواضع خود را در قالب آخرین شنیده ها، نزدیک ترین خبرهای فهرست کاندیدای وزارت جهاد کشاورزی و ... بروز می داد.

و کاخ ۲۰ طبقه ای شیشه ای کشاورزی و ۱۳ طبقه ساختمان شماره ۲ و ۱۱ گانه ساختمان شماره ۳ و همچنین ویلانشینان باغ کشاورزی اوین دسته، دسته در اردوگاه ۲ الی ۳ نفر از نامزدهای

افتخار توسط مدیران سابق بخش کشاورزی نصیب کشور شود. پس قاعدتا همکاری با این مدیران به ارتقاء جایگاه کشاورزی می‌انجامد.

امروز نزدیک به شش ماه از استقرار وزیر جدید جهاد کشاورزی می‌گذرد وزیر جدید چهره‌ی تابناک آموزشی و با سوابق چند سال معاون وزیری و چند سال فعالیت جهادی است یعنی می‌توان انتظار داشت وزارتخانه و بخش‌ها و سوراخ‌سنبه‌هایش در مشتش باشد. وزیر تعهدات سنگینی به مجلس و در صحن علنی به مردم، دولت و نظام داده است که به عنوان قسم و دین به بخش محسوب می‌شود و در آرشو ذهن مدیران و آرشو نهادهای سازمان‌ها ثبت شده است. شش ماه نصف سال زراعی است و رصدکنندگان فعالیت‌های بخش کشاورزی سوال می‌کنند:

- سکون و کم خبری در کل وزارتخانه به دلیل بی تکلیفی معاونین وزیر که نه حکم ابقاء دریافت می‌کنند و نه مجلس تودیع برایشان برگزار می‌شود کی و چگونه برطرف خواهد شد.

- هم اینک در بخش تحقیقات وزارتخانه (هم معاونت هم موسسات تحقیقاتی فراوان پراکنده در سراسر کشور) فعالیت‌ها در چه سطحی و با چه درجه‌ای از جدیت و پیگیری و پژوهش انجام می‌شود. آیا واقعا تمام توان محققین بانگیزه به کار گرفته می‌شود؟ در سایر بخش‌ها و معاونت‌ها کمابیش این رویه حکمفرماست.

- فعالیت‌های آموزشی و ترویجی در چه حال است؟ آمارهایی که از این دست ارایه می‌شود چقدر قابل اعتماد است؟

- واگذاری امور به بخش خصوصی که بارها در مجلس از سوی وزیر بیان شده چه میزان جنبه‌ی علمی و عملیاتی به خود گرفته است؟

- حضور وزیر در مراسم مختلف و در نمایشگاه‌ها و همایش‌ها و یکی دو برنامه تلویزیونی خوب است اما بسنده کردن به این امر و مصاحبه نکردن معاونین وزیر یعنی بایکوت کردن خبری!

- آیا در ۶ ماه گذشته کاری و فعالیتی انجام نگرفته که وزیر مطلبی برای گفتن در جمع رسانه‌ها ندارد یا این که از مشغله زیاد و پرکاری حتی یک ساعت برای برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی و پرسش و پاسخ با خبرنگاران متخصص بخش ندارد؟

- رمزگشایی از اتاق‌های در بسته و کارشناسان لب‌بسته و پرده‌های گرد نشسته وزارتخانه چگونه باید انجام شود تا جامعه کشاورزی، کشاورزان و سیاست‌گذاران کشاورزی در مجلس، رسانه‌ها و سازمان‌ها بیشتر واقف به امور بشوند.

اینک که رییس جمهور می‌گوید در جیب هر ایرانی باید یک نسخه از برنامه پنجم موجود باشد به نظر می‌رسد لازم است هر کشاورز تحصیل کرده، سرمایه‌گذار و مسوول دولتی، تعاونی و بخش خصوصی بنا به توصیه رییس جمهور از برنامه‌ها و عملکرد وزارت متبوع خود باخبر باشند.

زرگری و چانه‌زنی افکار عمومی در بخش کشاورزی برای طرح خواسته‌های بخش از وزیر آینده به امید رسیدن به تولید بیشتر و کاهش هزینه تمام‌شده، ارتقاء جایگاه بخش کشاورزی و بالتبع رفاه و آسایش کشاورزی ادامه داشت.

از آن سو مجلسیان خط و نشان خود را می‌کشیدند که اگر فرد معرفی شده وارد به مسایل اجرایی بخش، کارکشته و... نباشد چنین و چنان می‌کنیم، رای نمی‌دهیم و...

دولتبان نیز به راه خود می‌رفتند و بر طبل نظرات خود می‌کوبیدند که ما فردی را که معرفی می‌کنیم همه جوانب در او دیده شده و همین است که هست.

اندک اندک مطالبی از میان دندان‌های کلیدشده برخی از کاندیداهای احتمالی و قول و قرارهای گذاشته شده در نهاد ریاست جمهوری بروز می‌کرد و بر دیواره ذهن لشکریان اردوگاه‌های رقبا نقش می‌بست و زوده می‌شد و مطلب و شایعه و انتقاد جدید، جای آن را می‌گرفت. فایل‌ها از اطلاعات صفر و یک و سیاه و سفید پر و خالی می‌شد اما در هارد سینه‌ها ضبط و به تاریخ سپرده می‌گشت. بعدها به نقل از سوی همان یک کاندیدای غیرجهادی اعلام شد که وی ۲ شرط برای پذیرفتن پست صدارت اعلام کرده بود:

- انتخاب معاونین وزارتخانه توسط شخص وزیر بدون هیچ گونه توصیه و صرفا براساس توانمندی و تجارب قابل دفاع

- همکاری با صاحب‌منصبان و مدیران صاحب نام بخش کشاورزی که در دولت‌های گذشته و همین امر قطع ارتباط وی و خالی شدن صندلی وزارت از زیر پای او شده است.

فارغ از این که نقل قول یادشده چقدر به مضامین صاحب‌گفتار نزدیک باشد مهم این است که این دو نظریه از جانب هر وزیر باید اعمال شود و گر نه معاونی که آگاه نباشد در ارتباط با مافوق خود چه مسوولیت‌هایی دارد و ادامه کارش منوط به چه نظرات و تصمیم‌گیری چه کسی است با وزیری که تصمیم به تعویض یا تغییر یا جابه‌جایی مدیر کل استان یا سازمان زیرمجموعه یا معاونین خود داشته باشد هنگام اقدام، علاوه بر تحمل فشارهای سیاسی و گلابه‌ها و درخواست‌های برخی از مسوولین در استان، مجلس و... نمی‌داند با مخالفت یا در بسته اعلام نظر ریاست جمهوری مواجه می‌شود یا خیر.

بدتر از آن چنانچه معاونی بنا به حمایت‌های بیرونی خود با آگاهی از سطح و قدرت تصمیم‌گیری وزیر در رابطه با تعویض یا جابه‌جایی، به اختلاف‌نظر یا اختلاف موضع با وزیر برسد و این موضوع به بیرون درز پیدا کند آن وقت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و وزارتخانه کالا به موضع انفعالی می‌افتد.

سوال بعدی که به ذهن می‌آید این است که چه کسانی تولید گندم کشور را به ۱۳ میلیون تن رساندند؟ مسلما کارشناسان، مجریان و مدیرانی که از طرح‌های به‌زرعی گندم تا مدیریت آب و خاک و تحقیقات در دهه ۶۰ و ۷۰ در دو وزارتخانه جهاد سازندگی و کشاورزی و سپس در وزارت جهاد کشاورزی فعال بوده‌اند همراه با شرایط خوب آب و هوایی موجب شدند تا در اوایل دهه ۸۰ این